

صفحات ۲۵۲ - ۲۲۷

مقایسه تطبیقی مولفه‌های انسان‌شناسی از دیدگاه فارابی و

سند تحول بنیادین

سپیده تیمورپور^۱

فهیمة انصاریان^۲

دکتر حمیدرضا رضازاده بهادران^۳

چکیده

هدف از این تحقیق، تحلیل مبانی انسان‌شناختی فارابی به منظور تبیین دلالت‌های ضمنی آن در سند تحول بنیادین است. در این خصوص به بررسی مؤلفه‌های نظام تربیتی فارابی (سعادت - اخلاق - عدالت - حکمت - محبت - تعاون و دوستی مدنی) و همچنین مبانی انسان‌شناختی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش پرداخته و در نهایت نقاط اشتراک و افتراق مبانی انسان‌شناختی از نظر فارابی و سند تحول بنیادین مورد بررسی قرار گرفته شده است. روش تحقیق داده بنیاد می‌باشد. جامعه پژوهش شامل تألیفات فارابی، تألیفات سایر صاحب‌نظران و مقالات مرتبط با افکار فارابی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. با توجه به یافته‌های محقق در راستای مؤلفه‌های نظام تربیتی فارابی در موارد سعادت - اخلاق - عدالت - حکمت - محبت - تعاون و دوستی مدنی، مطابق با یافته‌های انسان‌شناسی سند تحول بنیادین است.

واژگان کلیدی

فارابی، سند تحول بنیادین، مؤلفه‌های نظام تربیتی

۱. نویسنده مسئول: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، گروه علوم تربیتی، گرایش فلسفه تعلیم و

تربیت، تهران، ایران. sepideh.teymourpour@chmail.ir

۲. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز f.ansarian110@yahoo.com

۳. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز؛ Rezazade1390@gmail.com

طرح مسأله

سؤال از خدا، انسان و هستی همیشه به عنوان سه سؤال اساسی برای انسان مطرح بوده است. در این میان توجه به انسان و شناخت او از اهمیت ویژه برخوردار است تا آن‌جا که دعوت به شناخت انسان به عنوان مخلوقی پیچیده، از تعالیم اصلی بسیاری از مکاتب فلسفی، عرفانی و ادیان بوده است. در همه آنها، شناخت انسان از خود، پرفایده‌ترین شناخت‌ها و از سوی دیگر، عدم شناخت انسان، جهل به همه چیز دانسته شده است (آمدی، ۱۴۰۷، ص ۱۷۲).

اهمیت و ضرورت شناخت انسان در چارچوب معارف بشری (معنا بخشی به زندگی، عقلانیت و کارآمدی نظام‌های اجتماعی، موجودیت، اعتبار و جهت‌گیری علوم انسانی و تأثیر در علوم تجربی) قابل توجه و بررسی است (خسروپناه و میرزایی، ۱۳۸۹، ص ۴۵-۴۴). انسان‌شناسی علمی است که از طریق آن می‌توان انسان و راه‌های زندگی کردن او را مورد مطالعه قرار داد (نلر، ترجمه آهنچیان، ۱۳۸۸، ۱) و در گسترده‌ترین معنا عبارت است از بررسی انسان‌ها و جامعه‌هایشان، از جامعه زنده و شکوفا گرفته تا جامعه مرده و از بین رفته است (کولمن و واتسون^۱، ۱۳۷۲، ۲).

انسان محور اصلی همه اندیشه‌های فارابی است. وی انسان را یکی از مظاهر طبیعت می‌داند. انسان موجودی مرکب از روح مجرد و جسم مادی است (فارابی، ۱۴۰۵، ۲۴). روحش اشرف از بدن اوست. بنابراین فارابی کمالات روح و ترقی آن را ارزشمندتر و اصیل‌تر می‌داند. نفس و بدن بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند و ارتباط نفس و بدن سرچشمه آثاری در قوای نفس و سعادت انسان است. بدن در حکم ابزاری برای افعال نفس و نفس فعل خیر و شر است (فاخوری و خلیل، ۱۳۹۳، ۳۵).

از آنجایی که دانش و تکنولوژی با سرعت رشد داشته، آموزش و پرورش این عصر نمی‌تواند نسبت به این تحولات بی تفاوت بوده برنامه‌ریزی و استراتژی مدرنی نداشته باشد. اهمیت این مسئله زمانی مشخص می‌شود که به سخن مقام معظم رهبری پیرامون زمینه‌های

تحول بنیادین در آموزش و پرورش توجه شود که ایشان بیان فرمودند: که برای ایجاد تحول با تکیه بر هویت دینی و با استفاده از نیروهای فکری و کارآمد و زبده، نظام تعلیم و تربیت را تدوین نمود و بر مبنای آن تغییر داد. بنابراین تحول در آموزش و پرورش با تکیه بر نوآوری و مشارکت و رقابت و کاربردی کردن آموزش و تامین نیازهای جدید ملی و استفاده از دستاوردهای جهانی استوار می‌باشد. لذا در این تحقیق تحلیل مبانی انسان‌شناختی فارابی به منظور تبیین دلالت‌های ضمنی آن در سند تحول بنیادین مدنظر می‌باشد.

روش پژوهش

با توجه به هدف پژوهش حاضر که تحلیل مبانی انسان‌شناختی فارابی به منظور تبیین دلالت‌های ضمنی آن در سند تحول بنیادین می‌باشد و با توجه به سوالات آن، موضوع پژوهش، نظری است. بنابراین پژوهش حاضر داده بنیاد می‌باشد. جامعه پژوهش شامل کلیه منابع مورد مطالعه در زمینه آثار فارابی می‌باشد. به عبارت دیگر، جامعه این تحقیق شامل تألیفات فارابی، تألیفات سایر صاحب‌نظران و مقالات مرتبط با افکار فارابی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است که موضوع انسان‌شناسی فارابی، به طور ویژه مورد بررسی قرار می‌گیرد. هم‌چنین، اطلاعات مربوط به تحلیل مبانی انسان‌شناختی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با توجه به فلسفه انسان‌شناسی فارابی مورد توجه است. در این پژوهش، نمونه شامل منابع در دسترس خواهد بود.

یافته‌های پژوهش

جایگاه سعادت در اندیشه‌های فارابی و سند تحول بنیادین

در پاسخ به این سؤال، محقق با توجه به مطالعه ادبیات و پیشینه این پژوهش به این نتیجه رسید که سعادت در هر دو اندیشه‌های فارابی و سند تحول بنیادین جایگاه ویژه‌ای دارد که در جدول (۱-۱) به آنها اشاره شده است.

فارابی در مورد سعادت می‌گوید: «سعادت، غایت و نهایت چیزی است که هر انسانی شوق آن را داشته و با سعی و تلاش خویش به سوی آن حرکت می‌کند، پس همانا حرکت و گرایش او به جهت آن است که سعادت، کمال است و از این رو برای توضیح خود، نیازمند هیچ گفتاری نیست» (فارابی، ۱۳۷۹، ص ۴۷). وی جدای از زندگی مدنی یا زندگی

در میان امت، درباره سعادت فردی بحث نمی‌کند، بلکه به نظر او ملاک تشخیص سعادت حقیقی از سعادت مظنون، آن است که مشخص شود فرد عضو مدینه فاضله است یا جاهله، و نیل به سعادت منوط به آن است که «حکیم» در جامعه حکومت کند (خادمی، ۱۳۸۷، ص ۸۸).

فارابی معتقد است که سعادت، امری اتفاقی نیست، بلکه در صورتی محقق خواهد شد که فرد در تمام مدت زندگی خود، و نه در مدت محدود، بر حسب اراده و اختیار خویش افعال فضیلت‌مندانه انجام دهد (فارابی، ۱۹۹۱، ص ۵۱).

در سند تحول آمده که جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد (مبانی نظری تحول بنیادی در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰، ص ۶۵).

اعتقاد به روز رستاخیز و حیات اخروی از مبانی مهم تربیت اسلامی است. این باور یکی از مؤثرترین و نافذترین باورها و از قوی‌ترین عوامل جهت‌دهی به رفتار آدمی است که پدیدآورنده هدف‌داری، مسئولیت‌شناسی، امید و نشاط در انسان و ضامن اجرایی بی‌ظنیری برای تحقق اخلاق و ارزش‌های انسانی و دینی در راستای سلامت، سعادت و کمال و تعالی فرد و جامعه است (مبانی نظری تحول بنیادی در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، ص ۷۷).

جدول ۱-۱- جایگاه سعادت در اندیشه‌های فارابی و سند تحول بنیادین

جایگاه سعادت در اندیشه‌های فارابی	جایگاه سعادت در سند تحول بنیادین
- سعادت، خیر است.	- هدف اول کمال انسان است. از این
- سعادت بر خیرهای دیگر برتر است.	منظر تک‌تک آدمها، مخلوق خدایند و
- سعادت، فضیلت است.	عزیزند و باکرامتند و تک‌تک آدمها
- نظری بودن صورت کلی سعادت و	می‌توانند به اوج برسند.
فضیلت	- هدف دوم عبارت است از: برپایی

<p>جامعه کمال یافته، زندگی سعادت‌مند و حیات طیبه.</p>	<p>- شناسایی و فهم صورت کلی سعادت و فضیلت در علم مدنی</p>
<p>- خواست خدا این است که در این عالم هم یک حیات طیبه و زندگی سعادت‌مند، به دست انسان برپا شود که در او عدالت حاکم باشد، آزادی، عبودیت، عشق و محبت وجود داشته باشد، همه انسان طعم کمال انسانی را در همین دنیا بچشند.</p>	<p>- موجودیت یافتن صورت کلی سعادت و فضیلت در قالب موضوعات جزئی بواسطه - عوارض خاص مثل زمان و مکان و اندازه</p>
<p>- ساخته شدن انسان و ساخته شدن جامعه</p>	<p>- برگزیدن غایات و اهداف مطلوب مثل علم، عفت، شجاعت، و غیره و لزوم اشتیاق نسبت به آنها</p>
<p>سعادت‌مند دو روی یک سکه‌اند، به هم پیوسته‌اند، علت و معلول هم هستند، برای ساختن جامعه سعادت‌مند باید انسان ساخته شوند، تلاش و مجاهدت کنند و برای ساخته شدن انسان باید عدالت اجتماعی به جامعه حاکم باشد.</p>	<p>- ارائه راهکارها و وسایل لازم برای رسیدن به اهداف و غایات مطلوب از طریق فکر</p> <p>- کمال اخلاقی انسان مثل کمال جسمانی انسان است.</p>
<p>جامعه کمال یافته مبتنی بر انسانی کمال یافته است، یعنی هر چه آدم‌ها عالم‌تر باشند در آن صورت در جامعه اسلامی ارزش‌های اسلامی و الهی مستقر خواهد شد. جامعه‌ای که پست باشد طعم زیبایی و سعادت را نخواهد چشید.</p>	<p>- اعتدال و میانه روی در غذا، کار و فعالیت و غیره موجب سلامت و در نتیجه کمال جسمانی می‌شود.</p> <p>- اعتدال و میانه‌روی در افعال و امور، موجب سلامت اخلاق می‌شود.</p>
<p>تنها خداوند می‌تواند راه خیر و سعادت را برای انسان روشن سازد.</p>	<p>- اعتدال، مقوله‌ای نسبی است و از یک شخص به شخص دیگر متفاوت است.</p>
<p>انسان موجودی است که در طرف</p>	<p>- هر فضیلتی در میان دو رذیله است هر گونه افراط و تفریط باعث فروافتادن در یکی از آنها می‌شود.</p>
<p>سعادت به بالاترین مقام می‌رسد در طرف</p>	<p>- تعلیم و تأدیب فضیلت‌ها در حوزه</p>

<p>کمال به بالاترین مقام موجودات می‌رسد و اگر انحراف داشته باشد از پست‌ترین موجودات پست‌تر است.</p> <p>- جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد</p>	<p>اجتماع با هم است؛ تعلیم جنبه آموزش نظری دارد و تأدیب جنبه نهادی دارد که بواسطه این نهاد فضیلت ایجاد می‌شود.</p> <p>- ایجاد حرفه‌ها و تخصص‌های لازم برای جامعه جهت رسیدن به سعادت لازم است.</p>
--	---

جایگاه اخلاق در اندیشه‌های فارابی و سند تحول بنیادین

در پاسخ به این سؤال، محقق با توجه به مطالعه ادبیات و پیشینه این پژوهش به این نتیجه رسید که اخلاق در هر دو اندیشه‌های فارابی و سند تحول بنیادین جایگاه ویژه‌ای دارد که در جدول (۲-۱) به آنها اشاره شده است.

فارابی اخلاق را تغییرپذیر دانسته و معتقد است: اخلاق، اعم از جمیل و قبیح، امری اکتسابی است و مادامی که انسان خلق خاصی را به دست نیاورده باشد می‌تواند آن را کسب کند و اگر خلقی را تحصیل کرد نیز می‌تواند به اراده و اختیار خویش آن را تغییر دهد (فارابی، ۱۳۷۹، ص ۵۴). فارابی هدف اصلی از اخلاق و تعلیم و تربیت را تحصیل سعادت می‌داند (فارابی، ۱۳۷۹، ص ۵۵).

در سند تحول بنیادین، هرارزشی از یک پایه بینشی و نگرشی و یک پایه گرایش‌ساخته می‌شود. از نظر اسلام همه ارزش‌ها، از جمله ارزش‌های اخلاقی، اعتباری، فرضی و تابع سلیقه و قرارداد نیست (مصباح یزدی، معرفت ۱۷). این یک امر واقعی است که روح انسان در اثر بعضی از اعمال تکامل پیدا می‌کند. تکامل مفهوم نسبی یا سلیقه‌ای نیست (مبانی نظری تحول بنیادین در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰، ص ۸۸).

جدول ۲-۱- جایگاه اخلاق در اندیشه‌های فارابی و سند تحول بنیادین

جایگاه اخلاق در سند تحول بنیادین	جایگاه اخلاق در اندیشه‌های فارابی
- زیبایی یک منظره و اخلاقی بودن یک	- فارابی محیط را عامل عمده و اصلی در

<p>عمل به دلیل وجود خصوصیتی است که در آن‌ها بعینه وجود دارد و با ادراک این خصوصیات توسط ذهن ناظر، گفته می‌شود که شیئی یا عمل، دارای ارزش است.</p> <p>- احکام اعتباری که احکام اخلاقی هم از جمله آن‌هاست به صورت منطقی از قضایای حقیقی قابل استنتاج نیستند. در عین حال بی‌اساس هم نیستند. یعنی فرایند تکوین ارزش‌ها (ارزش‌گذاری) ناظر به واقعیت‌هاست. این احکام (عملی) بالاخره سر از اقتضایی در می‌آورد که دائماً در طبیعت انسان هست.</p> <p>- روح رفتار اخلاقی همیشه تابع واقعیت است.</p> <p>- از نظر اسلام همه ارزش‌ها، از جمله ارزش‌های اخلاقی، اعتباری، فرضی و تابع سلیقه و قرارداد نیست.</p>	<p>تکوین شخصیت اخلاقی و رفتاری انسان می‌داند و اعلام می‌کند که انسان از نظر وراثت دارای سرشت پاک یا ناپاک نیست بلکه نفس انسان نسبت به نیکی و بدی به تعبیر علم منطقی «لابشرط» است و آنچه بر اخلاق و رفتار آدمیزادگان تأثیر می‌گذارد عوامل محیطی است.</p> <p>- برخی از اعمال انسان در خور ستایش است و برخی شایسته‌ی نکوهش، و برخی نه در خور ستایش و نه در خور نکوهش".</p> <p>- اخلاق پسندیده و ممدوح و اخلاق ناپسند و مذموم، در اثر ممارست در وجود آدمی محکم می‌شود.</p> <p>- ضرورت اعتدال و حد وسط در امور زندگی و اخلاقی</p> <p>- اعتدال به زمان و مکان عمل و شخصی که به انجام آن قیام می‌کند و هدفی که دنبال می‌کند و وسائلی که بکار می‌گیرد و خود عمل مربوط است و در تمام این امور باید اعتدال رعایت شود.</p>
--	---

جایگاه عدالت در اندیشه‌های فارابی و سند تحول بنیادین

در پاسخ به این سؤال، محقق با توجه به مطالعه ادبیات و پیشینه این پژوهش به این نتیجه رسید که عدالت در هر دو اندیشه‌های فارابی و سند تحول بنیادین جایگاه ویژه‌ای دارد که در جدول (۳-۱) به آنها اشاره شده است.

در نظریه فارابی سعادت انسان که همانا قرب به درگاه ربوبی است، در صورتی

تأمین می‌شود که انسان عدالت محور (اخلاق) در دل نظامی عدالت محور (مدینه) که بر اساس شریعت عدالت محور (نظام تشریح) تنظیم و تنسيق شده است، حاصل شود، ضمن اینکه این‌ها تماماً بر مدار تکوینی عالم (نظام تکوین) مبتنی هستند که محور اصلی آن هم عدل است. بعبارتی در نگاه فارابی نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت، است (فارابی، ۱۴۰۵، ص ۴۳). در جامعه عدالت محور است که حتی با شر مقابله به شر نمی‌شود، در این نوع جامعه است که احسان تام و شاملی از دل آن عدالت بیرون می‌آید. تنها در جامعه عدالت محور است که می‌توان به امنیت، سلامت، کرامت و مرتبت رسید. (فارابی، ۱۹۶۱، ص ۳۸).

در سند تحول بنیادین آمده که، عدالت اساسی‌ترین ارزش اخلاقی و اجتماعی در نظام معیار اسلامی است. هر چند عدالت به دلیل ارزشی بودنش، دارای جنبه اعتباری است اما این ارزشگذاری، امری ثابت و پایدار است، زیرا همواره ملایمت و تناسب اعمال عادلانه با استواری و سعادت انسان و جامعه، ثابت است. معیار عدالت، رعایت حق و حقوق افراد است (مبانی نظری تحول بنیادی در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰، ص ۱۰۱).

جدول ۳-۱- جایگاه عدالت در اندیشه‌های فارابی و سند تحول بنیادین

جایگاه عدالت در سند تحول بنیادین	جایگاه عدالت در اندیشه‌های فارابی
- اگر کسی خودش را بشناسد و قدر خودش را بداند دیگر تن به پستی‌ها نمی‌دهد، جز قله کمال را طلب نمی‌کند و راه رسیدن به این قله عبارت است از: عبودیت و عدالت و عشق.	- عدالت بر حسب سزاواری‌ها و استعدادها (رعایت تفاوت‌های فردی- واگذاری تکلیف در حد توان فرد- تنبیه و تشویق متناسب با عمل)
- ساخته شدن انسان و ساخته شدن جامعه سعادت‌مند دو روی یک سکه‌اند، به هم پیوسته‌اند، علت و معلول هم هستند، برای ساختن جامعه سعادت‌مند باید انسان ساخته	- عدالت ملکه‌ی اخلاقی - عدالت محض در سایه‌ی نبوت و امامت - عدالت به معنای اعتدال و ملکات

<p>متوسطه</p> <p>- نقش دولت در تأمین عدالت</p> <p>- جبر و اختیار و تحقق عدالت</p>	<p>شوند، تلاش و مجاهدت کنند و برای ساخته شدن انسان باید عدالت اجتماعی به جامعه حاکم باشد.</p> <p>- ایجاد عدالت، ایجاد حکومت حق، ایجاد روابط انسانی، ایجاد دنیای آباد، دنیای آزاد، بر عهده افراد انسان است.</p> <p>- ارزش‌ها از حیث مفهومی مطلق و از حیث مصداق نسبی‌اند. عدالت مفهوماً مطلق است اما مصداق آن در طول زمان تغییر و تحول می‌یابد.</p>
---	---

جایگاه حکمت در اندیشه‌های فارابی و سند تحول بنیادین

در پاسخ به این سؤال، محقق با توجه به مطالعه ادبیات و پیشینه این پژوهش به این نتیجه رسید که حکمت در هر دو اندیشه‌های فارابی و سند تحول بنیادین جایگاه ویژه‌ای دارد که در جدول (۴-۱) به آنها اشاره شده است.

از دیدگاه فارابی حکمت موجب می‌شود اهالی مدینه به انسجام درونی برسند و با تعاون و همدلی به سعادت حقیقی نائل آیند. در واقع حقیقت انسان به نفس و ویژگی اصلی نفس انسان به قوه ناطقه و کمال نطق او در عقل بالفعل است که وصول به چنین مقام والایی تنها در گرو فراگیری حکمت می‌باشد. فارابی حکمت را برترین دانش‌ها دانسته و خاصیت اصلی حکمت را شناخت حقیقت برمی‌شمارد. از آنجا که فارابی در زمره حکمای غایت‌گراست، حکمت را تنها راه نیل به سعادت می‌داند. معلم ثانی، حکمت را برترین علوم برای معرفت برترین موجودات می‌داند (فارابی، ۱۴۰۵، ص ۴۸).

در سند تحول بنیادین به نقل از امام علی (ع) آمده که: "حکمت گمشده مؤمن است؛ پس آن را بگیرید، حتی اگر در دست منافق باشد (مبانی نظری تحول بنیادی در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰، ص ۲۵۸).

جدول ۴-۱- جایگاه حکمت در اندیشه‌های فارابی و سند تحول بنیادین

جایگاه حکمت در سند تحول بنیادین	جایگاه حکمت در اندیشه‌های فارابی
<p>امام علی (ع) می‌فرماید: "حکمت گمشدهٔ مؤمن است؛ پس آن را بگیرید، حتی اگر در دست منافق باشد"</p>	<ul style="list-style-type: none"> - مهمترین عنصر شکل‌گیری مدینه فاضله - فارابی، فضیلت یک جامعه را متفرع بر جاری شدن حکمت در میان شهروندان آن می‌داند. - حکمت موجب می‌شود اهالی مدینه به انسجام درونی برسند و با تعاون و همدلی به سعادت حقیقی نائل آیند. - در واقع حقیقت انسان به نفس و ویژگی اصلی نفس انسان به قوه ناطقه و کمال نطق او در عقل بالفعل است که وصول به چنین مقام والایی تنها در گرو فراگیری حکمت می‌باشد. - حکمت یا فلسفه به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌شود: حکمت نظری آن است که دربارهٔ اشیا، آنچنان که هستند، بحث می‌کند و حکمت عملی دربارهٔ افعال انسان، آنچنانکه باید و شایسته است، بحث می‌کند. - فارابی حکمت را برترین دانش‌ها دانسته و خاصیت اصلی حکمت را شناخت حقیقت برمی‌شمارد. - فارابی حکمت را تنها راه نیل به سعادت می‌داند. معلم ثانی، حکمت را برترین علوم برای معرفت برترین موجودات

می‌داند.
- حکمت سبب می‌گردد انسان با شناخت سعادت حقیقی از سعادت پنداری رهایی یابد.

جایگاه محبت در اندیشه‌های فارابی و سند تحول بنیادین

در پاسخ به این سؤال، محقق با توجه به مطالعه ادبیات و پیشینه این پژوهش به این نتیجه رسید که محبت در هر دو اندیشه‌های فارابی و سند تحول بنیادین جایگاه ویژه‌ای دارد که در جدول (۵-۱) به آنها اشاره شده است.

از منظر فارابی، آنچه اعضای مدینه فاضله و مراتب آنها را با یکدیگر پیوند می‌دهد "محبت" است در حالی که «عدالت» و روابط عدالت محور، ضامن بقا و عامل حفاظت از مدینه و اعضای آن است. محبت، عامل ائتلاف و ارتباط اعضای مدینه است. در واقع، عدل، تابع محبت است (فارابی، ۱۹۹۳، ص ۷۰) فارابی معتقد است: اجزای مختلف در هر نظام، به واسطه «محبت» با هم ارتباط و ائتلاف برقرار می‌کنند و از طریق عدالت دوام می‌یابند (فارابی، ۱۹۹۳، ص ۷۱).

در سند تحول آمده که خداپرستی، عشق به معنویت، عاطفه انسانی در هر تحولی، و عواطف و محبت در انسان باید تقویت بشود و در این جهت باید راه برویم. آن تحول اجتماعی یا اقتصادی‌ای که انسان را نسبت به هم بی تفاوت و بی محبت می‌کند، ممدوح نیست؛ مذموم است... ماتحوالی می‌خواهیم که بین پدرها، مادرها، خانواده‌ها، فرزندان، دوستان و همسایگان الفت و محبت بیشتر به وجود آورد... (مبانی نظری تحول بنیادی در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰، ص ۱۳۴).

در قرآن بر رابطه مهرورانه پیامبر با مؤمنین اشاره شده است. عامل اصلی جذب مؤمنین به ایشان همانا مهر و محبت بوده است. خداوند در آیه یکصد و پنجاه و نه سوره مبارکه آل عمران می‌فرماید: "پس به برکت رحمت الهی، با آنان نرم خوشی و اگر تندخو و سخت دل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند (مبانی نظری تحول بنیادی

در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰، ص ۲۸۰).
جدول ۵-۱- جایگاه محبت در اندیشه‌های فارابی و سند تحول بنیادین

جایگاه محبت در سند تحول بنیادین	جایگاه محبت در اندیشه‌های فارابی
<p>- خداپرستی، عشق به معنویت، عاطفه انسانی در هر تحولی، و عواطف و محبت در انسان باید تقویت شود.</p> <p>- آن تحول اجتماعی یا اقتصادی‌ای که انسان را نسبت به هم بی تفاوت و بی محبت می کند، ممدوح نیست؛ مذموم است.</p> <p>- در قرآن بر رابطه مهرورانه پیامبر با مؤمنین اشاره شده است. عامل اصلی جذب مؤمنین به ایشان همانا مهر و محبت بوده است.</p> <p>- مربی باید در کنار سندیت، محبوبیتی را دارا باشد تا نقش وی، که زمینه ساز تحولات رشد یابنده هویت متربیان است، به درستی تحقق یابد.</p>	<p>- ماهیت روابط انسان باید بر محبت باشد.</p> <p>- فارابی، محبت را به طور کلی، بر دو نوع می داند: محبت طبیعی و محبت ارادی.</p> <p>- محبت طبیعی، همان محبت میان والدین و فرزندان است که از طبیعت آنها سرچشمه می گیرد.</p> <p>- محبت ارادی خود بر سه قسم است که عبارتست از: ۱) محبت ناشی از اشتراک در فضیلت؛ ۲) محبت ناشی از اشتراک در منفعت؛ ۳) محبت ناشی از اشتراک در لذت.</p> <p>- فارابی معتقد است محور تعلیم و تربیت باید بر محبت در اشتراک در فضیلت باشد.</p>

جایگاه تعاون در اندیشه‌های فارابی و سند تحول بنیادین

در پاسخ به این سؤال، محقق با توجه به مطالعه ادبیات و پیشینه این پژوهش به این نتیجه رسید که تعاون در هر دو اندیشه‌های فارابی و سند تحول بنیادین جایگاه ویژه‌ای دارد که در جدول (۶-۱) به آنها اشاره شده است.

فارابی معتقد است که انسان مفطور به زندگی و زیست اجتماعی است و به عبارتی موجودی است که ضرورتاً مدنی الطبع می باشد، زیرا انسان برای برآورده کردن نیازهای خود چاره‌ای جز تعامل اجتماعی و تعاون و همکاری با دیگران ندارد. وی بر این باور است

که همکاری و تعاون انسان فقط به سبب نیاز و در نتیجه، رفع نیازمندی‌ها و وسیله‌ای برای ادامه حیات او نیست، بلکه او را بر تسلط و چیرگی بر شرایط حیات قادر ساخته و راه رسیدن او را به کمال و سعادت هموارتر می‌کند (فارابی، ۱۳۷۹، ص ۳۷).

در سند تحول بنیادین، یکی از خصوصیات مهم فضای مدرسه صالح، مشارکت و تعاون است. از آنجا که انسان‌ها در جامعه متولد می‌شوند و در جامعه رشد می‌کنند، تربیت آن‌ها نیز باید اساساً اجتماعی باشد. لذا فضای حاکم بر محیط‌های تربیتی، به‌ویژه محیط‌های تربیت رسمی، باید به گونه‌ای باشد که شخصیت متریان را از شکل‌گیری فردگرایی و رقابت‌گرایی مخرب دور نگه دارد. لذا محیط‌های تربیتی باید به جای تأکید بر مقایسه فردی و رقابت با دیگران در یادگیری، به ایجاد فضای رفاقت سالم و تعامل سازنده و مؤثر با دیگران و رقابت هر فرد با خودش (برای تعالی مداوم ظرفیت‌های وجودی خویش) روی آورند (مبانی نظری تحول بنیادی در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰، ص ۲۹۶).

جدول ۶-۱- جایگاه تعاون در اندیشه‌های فارابی و سند تحول بنیادین

جایگاه تعاون در سند تحول بنیادین	جایگاه تعاون در اندیشه‌های فارابی
<p>- بعد اجتماعی حیات طیبه ناظر به مفاهیم متعدد ارزشی است، مانند: تعاون و نیکوکاری، احسان و رأفت، اخوت، اقامه قسط، رعایت حقوق مردم، ظلم ستیزی، امر به معروف و نهی از منکر، تولا و تبرا، استقلال، شورا/عقل جمعی، تضارب آراء، امنیت، اتحاد اجتماعی و ...</p>	<p>- رسیدن به کمال بدون تعاون انسان و تشکیل جامعه ممکن نیست.</p> <p>- تعاون اعضای مدینه از اصول ثابت مدینه فاضله است و وصول به عنصر غایی با تعاون و همکاری شهروندان حاصل می‌گردد.</p> <p>- «تعاون» از جمله لوازم بنیادین برای بقای مدینه است و این امر اختصاص به مدینه فاضله ندارد.</p>
<p>- هرگونه عمل آدمی، بر مبادی خردورزی، معرفت، باور، میل و اراده متکی است و عمل شایسته جمعی</p>	<p>- آنچه مدینه فاضله را از مداین غیرفاضله جدا می‌سازد، چیزی است که اعضای جامعه، برای رسیدن به آن تعاون</p>

<p>علاوه بر انطباق محتوای آن با نظام معیاراسلامی (تقوا) و تکیه‌عامل بر ایمان، نیازمند تحقق اوصافی جمعی در عاملان (نظیر همراهی و تعاون با یکدیگر در مسیر خیر، توصیه مداوم یکدیگر برحق و تحمل مشکلات، سعه صدر، پذیرش خردجمعی و پیروی همگان از تصمیمات رهبری خردمند و عادل) حاصل می‌شود.</p> <p>- یکی از خصوصیات مهم فضای مدرسه صالح، مشارکت و تعاون است.</p>	<p>دارند، یعنی در حالی که تعاون اهل مدینه فاضله، برای رسیدن به سعادت، به عنوان کمال و خیر نهایی، است. اعضای مدینه‌های غیرفاضله برای رسیدن به اهدافی چون لذت و تمتع، با یکدیگر تعاون دارند.</p> <p>- وجود یک فرد خیراندیش و مصلح و یا حضور جمعی از این افراد در جامعه، آن را به مدینه فاضله تبدیل نمیکند، بلکه این تعاون و همدلی یکایک اعضای جامعه در راه رسیدن به سعادت حقیقی مورد نظر است که جامعه را به فضیلتی بالاتر از دیگر مدینه‌ها نایل می‌سازد و رسیدن به کمال غایی مورد نظر ممکن میشود.</p> <p>- لزوم تعاون میان اعضای مدینه نیز چون لزوم تعاون اعضای بدن می‌باشد؛ چراکه «بدن سالم کامل، آن است که اعضایش برای متمیم و حفظ آن با یکدیگر تعاون دارند.</p>
--	--

جایگاه دوستی مدنی در اندیشه‌های فارابی و سند تحول بنیادین

در پاسخ به این سؤال، محقق با توجه به مطالعه ادبیات و پیشینه این پژوهش به این نتیجه رسید که دوستی مدنی در هر دو اندیشه‌های فارابی و سند تحول بنیادین جایگاه ویژه‌ای دارد که در جدول (۷-۱) به آنها اشاره شده است.

از نظر فارابی وصول به غایت انسانی بدون اجتماع ممکن نیست و اجتماع بدون رئیس پا نمی‌گیرد. به عبارتی دیگر، رسیدن به کمال بدون تعاون انسان و تشکیل جامعه ممکن نیست؛ چرا که انسان به طور فطری برای رسیدن به برترین کمالش به چیزهای زیادی نیازمند است که به تنهایی قادر به برطرف ساختن آنها نیست. او به گروه‌هایی نیاز دارد که هر کدام بخشی از مایحتاج زندگی وی را تأمین کنند (فارابی، ۱۳۷۹،

ص ۶۳.

انسان، به دلیل نیازمندی یا کمال‌جویی و به لحاظ ساختار شخصیت، موجودی اجتماعی است و هویت او تا حد قابل توجهی (به‌خصوص در آغاز زندگی) در عرصه زندگی اجتماعی ساخته و پرداخته می‌شود. یعنی بینش، گرایش، کنش و منش انسان از نظام فرهنگی، اقتصادی و سیاسی اجتماع تأثیر می‌پذیرد، هرچند این تأثیر هرگز به آن پایه نیست که او را به صورت تابعی مطلق از وضع محیط اجتماعی درآورد؛ بنابراین هم باید شرایط اجتماعی را به مثابه عاملی بسیار مؤثر بر شخصیت و نحوه زندگی افراد در نظر بگیریم و هم می‌توان با تکیه بر اراده فردی در برابر این تأثیر اجتماعی مقاومت کرد و حتی با شناخت جامعه و قوانین حاکم بر تحولات اجتماعی و عمل مناسب، می‌توان تأثیر مناسبی بر نظام اجتماعی گذاشت (مبانی نظری تحول بنیادی در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰، ص ۱۶۹).

جدول ۷-۱- جایگاه دوستی مدنی در اندیشه‌های فارابی و سند تحول بنیادین

جایگاه دوستی مدنی در سند تحول بنیادین	جایگاه دوستی مدنی در اندیشه‌های فارابی
<p>- هیئت کلی و عرض عریض جامعه مشتمل بر جریان‌ها، نهادها و مؤسساتی است که در عرض یا طول همدیگر و در راستای غرض و غایت اجتماع حرکتی مستمر دارند. به همین رو این اجزا و عناصر جامعه، نسبت‌ها و روابطی را با همدیگر بر قرار می‌نمایند و در شکل مطلوب آن، این نهادها کارکرد همدیگر را در راستای غایت جامعه تنظیم، تکمیل و هماهنگ می‌نمایند.</p> <p>- نظام‌های اجتماعی در خلأ عمل نمی‌کنند. آن‌ها جزئی از کل جامعه و فرهنگ‌اند و با سایر نهادها و نظام‌های اجتماعی روابط و کنش متقابل</p>	<p>دوستی مدنی به مثابه امری است که اعضای جامعه را به هم تألیف می‌دهد.</p> <p>- دوستی در مدینه، دوستی بر سر چیزی (امر محبوب) است؛ هرچند در مدینه فاضله، دوستی بر سر چیزی، دوستی افراد نسبت به یکدیگر را به دنبال دارد.</p> <p>- دوستی مدنی، شکل مدینه را نیز مشخص می‌سازد. در واقع پیوند میان معرفت اعضای هر مدینه و نوع سعادت‌ی که به عنوان غایت زیست</p>

<p>دارند. عملکرد درست یک نظام، به برقراری روابط صحیح و اصولی با دیگر نهاد و نظام‌های اجتماعی نیز وابسته است.</p> <p>- تربیت، در واقع جریانی فراگیر، جهت‌دهنده و اساس دیگر نهادهای اجتماعی محسوب می‌شود. پس از حیث اجتماعی، تمامی نهادهای جامعه برای تداوم و فراهم کردن شرایط حیات طیبه انسان و نقش آفرینی در تداوم، ارتقا و تعالی حیات جامعه به نهاد تربیت وابسته‌اند.</p> <p>- تربیت، محور اساسی توسعه حیات آدمی است. در نتیجه باید مصالح تربیتی در تمام تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی، مورد نظر قرار گیرد و کمک به جریان تربیت، مهم‌ترین معیار در سیاست‌گذاری‌ها و تعیین اولویت‌های اجتماعی به شمار می‌رود. بر این اساس و به نحو اولی، تربیت رسمی و عمومی نیز اهمیت ویژه‌ای دارد.</p>	<p>مدنی خود تعریف می‌کنند؛ به گونه‌ای که اگر امر محبوب میان اعضای یک مدینه، امور و اعمال فاضله باشد، آن مدینه، مدینه فاضله خواهد بود و در صورتی که آن امر محبوب، اموری چون لذت، ثروت، قدرت، ذکر امت، و... باشد، انواع مدینه‌های جاهله (نذاله، کرامه، تغلب و...) شکل خواهد گرفت.</p> <p>- هر یک از مدینه‌های فاضله و غیرفاضله، پیامدهای خاصی را در خصوص نحوه تعامل افراد نیز ایجاب می‌کنند و منشأ دوستی، نوع دوستی و وضع انسان مدنی نیز متفاوت خواهد بود.</p>
---	--

نقاط اشتراک و افتراق مبانی انسان‌شناختی از نظر فارابی و سند تحول

بنیادین

در پاسخ به این سؤال، محقق با توجه به مطالعه ادبیات و پیشینه این پژوهش نقاط اشتراک و افتراق مبانی انسان‌شناختی از نظر فارابی و سند تحول بنیادین را استخراج و در جدول (۸-۱) به آنها اشاره شده است.

نقطه اشتراک فارابی و سند تحول بنیادین با توجه به مولفه سعادت، این است که هر دو سعادت را کمال، نهایت و غایت چیزی می‌دانند که انسان با سعی و تلاش خود به سوی آن حرکت می‌کند. نقطه افتراق آن، این است که فارابی جدای از زندگی مدنی یا زندگی

در میان امت، درباره سعادت فردی بحث نمی‌کند، بلکه به نظر او ملاک تشخیص سعادت حقیقی از سعادت مظنون، آن است که مشخص شود فرد عضو مدینه فاضله است یا جاهله، و نیل به سعادت منوط به آن است که «حکیم» در جامعه حکومت کند (خادمی، ۱۳۸۷، ص ۳۸). در حالیکه در سند تحول سعادت، کمال، تعالی فرد و جامعه مدنظر می‌باشد.

نقطه اشتراک فارابی و سند تحول بنیادین با توجه به مولفه اخلاق، این است که هر دو بر تاثیر عوامل محیطی و طبیعی تاکید دارند. فارابی محیط را عامل عمده و اصلی در تکوین شخصیت اخلاقی و رفتاری انسان می‌داند و اعلام می‌کند که آنچه بر اخلاق و رفتار آدمیزادگان تأثیر می‌گذارد عوامل محیطی است (فارابی، ۱۴۱۲، ص ۲۵). در سند تحول نیز آمده که روح رفتار اخلاقی همیشه تابع واقعیت است. یعنی فرایند تکوین ارزش‌ها (ارزش‌گذاری) ناظر به واقعیت‌هاست. این احکام (عملی) بالاخره سر از اقتضایی در می‌آورد که دائماً در طبیعت انسان هست (المیزان، ج ۲). نقطه افتراق آن، این است که فارابی اخلاق را تغییر‌پذیر دانسته و معتقد است: اخلاق، اعم از جمیل و قبیح، امری اکتسابی است و مادامی که انسان خلق خاصی را به‌دست نیاورده باشد می‌تواند آن را کسب کند و اگر خلقی را تحصیل کرد نیز می‌تواند به اراده و اختیار خویش آن را تغییر دهد (فارابی، ۱۳۷۹، ص ۴۳). اما در سند تحول بنیادین، هرارزشی از یک پایه‌ی بینشی و نگرشی و یک پایه‌ی گرایشی ساخته می‌شود. از نظر اسلام همه ارزش‌ها، از جمله ارزش‌های اخلاقی، اعتباری، فرضی و تابع سلیقه و قرارداد نیست.

نقطه اشتراک فارابی و سند تحول بنیادین با توجه به مولفه عدالت، این است که هر دو معتقدند که عدالت اساس زندگی اجتماعی است. از نگاه فارابی نظام اجتماعی مبتنی بر عدالت، است. او معتقد است که تنها در جامعه عدالت محور است که می‌توان به امنیت، سلامت، کرامت و مرتبت رسید. (فارابی، ۱۹۶۱، ص ۷۱). در سند تحول بنیادین آمده که، عدالت اساسی‌ترین ارزش اخلاقی و اجتماعی در نظام معیار اسلامی است. نقطه افتراق آن، این است که از دیدگاه فارابی عدل این است که به هر یک از ماده و صورت اهلیت و استعدادش [برای فعلیت و کمال]، داده شود (فارابی، ۱۹۵۹، ص ۶۷). فارابی در این مفهوم، عدل را با حق در معنای وجودی، پیوند می‌دهد. افراد انسانی در نظر فارابی برابر نیستند،

بلکه در سلسله مراتبی از تواناییها و استعدادها قرار می‌گیرند. این امر، با نظم آفرینش مطابق است، که بر شالوده سلسله مراتب و گوناگونی توانایی‌هاست (فارابی، ۱۳۵۸، ص ۱۳). اما در سند تحول بنیادین آمده که، عدالت به دلیل ارزشی بودنش، دارای جنبه اعتباری است اما این ارزشگذاری، امری ثابت و پایدار است، زیرا همواره ملایمت و تناسب اعمال عادلانه با استواری و سعادت انسان و جامعه، ثابت است. معیار عدالت، رعایت حق و حقوق افراد است.

نقطه اشتراک فارابی و سند تحول بنیادین با توجه به مولفه حکمت، این است که هر دو حکمت را برترین دانش‌ها دانسته و خاصیت اصلی حکمت را شناخت حقیقت برمی‌شمارند. فارابی، حکمت را برترین علوم برای معرفت برترین موجودات می‌داند (فارابی، ۱۴۰۵، ص ۶۷). حکمت سبب می‌گردد انسان با شناخت سعادت حقیقی از سعادت پنداری رهایی یابد (فارابی، ۱۹۹۱، ص ۸۷). و با کسب فضایل نفسانی به خیر مطلق که مبدأ و حقیقت هستی است، نائل گردد (فارابی، ۱۴۱۳، ص ۲۸). در سند تحول به نقل از امام علی (ع) آمده: «حکمت گمشده مؤمن است؛ پس آن را بگیرد، حتی اگر در دست منافق باشد (مبانی نظری تحول بنیادی در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰، ص ۶۸). نقطه افتراق آن، این است که حکمت در نظر فارابی، علم به چگونگی استفاده و سهم هریک از موجودات از وجود، حقیقت و وحدت و چگونگی شیئت یافتن اشیاء از اوست. حکمت، شامل علم به مراتب موجودات و تقسیمات آنها نیز می‌شود، مراتب موجودات اعم از اول، وسط و اخیر. اخیر موجوداتی هستند که اسباب دارند ولی خود سبب دیگری نیستند. وسط موجوداتی هستند که سببی دارند که بالاتر از آنهاست و خود اسباب اشیاء پایین‌تر هستند، و اول موجودی است که سبب همه موجودات دیگر است، بدون آنکه سببی داشته باشد. علم به روند ارتقاء این موجودات از اخیر به وسط و اول و از طرف دیگر علم به چگونگی آغاز تدبیر از اول و نفوذ آن در سایر اشیاء به ترتیب، نیز جزء حکمت است (فارابی، ۱۴۰۵، ص ۲۹). در صورتیکه در سند تحول بنیادین اینگونه نیست.

نقطه اشتراک فارابی و سند تحول بنیادین با توجه به مولفه محبت، این است که هر دو

معتقدند که ماهیت روابط انسان باید بر محبت باشد. فارابی معتقد است که آنچه اعضای مدینه و مراتب آن‌ها را با یکدیگر پیوند می‌دهد، محبت است. در حالی که عدالت و روابط عدالت محور، ضامن بقا و عمال حفاظت از مدینه و اعضای آن است، محبت، عامل ائتلاف و ارتباط اعضای مدینه است. در واقع عدل، تابع محبت است (فارابی، ۱۴۰۵، ص ۱۵۰). طبق سند تحول، در قرآن بر رابطه مهرورزانه پیامبر با مؤمنین اشاره شده است. عامل اصلی جذب مؤمنین به ایشان همانا مهر و محبت بوده است. نقطه افتراق آن، این است که به اعتقاد فارابی، محبت میان اعضای مدینه، اساساً منتج از اشتراک نظر اهل مدینه در آرا و افعال است. آرای مشترک اعضای مدینه فاضله، که میان آن‌ها محبت به وجود می‌آورد، بر سه قسم است: اتفاق آرا در مبدا؛ اتفاق آرا در منتهی و اتفاق آرا در میان این دو. اتفاق آرا در مبدا، اشتراک نظر درباره الله و ابرار و مبدا حیات انسان و هم‌چنین مراتب اجزا عالم و نسبت آن‌ها با ذات الهی و فرشتگان است (فارابی، ۱۴۰۵، ص ۶۶). در صورتیکه در سند تحول بنیادین به آن اشاره ای نشده است.

نقطه اشتراک فارابی و سند تحول بنیادین با توجه به مولفه تعاون، این است که هر دو به ضرورت تعاون و همکاری در اجتماع تاکید دارند. فارابی معتقد است که انسان به طور فطری برای رسیدن به برترین کمالش به چیزهای زیادی نیازمند است که به تنهایی قادر به برطرف ساختن آن‌ها نیست. او به گروه‌هایی نیاز دارد که هر کدام بخشی از مایحتاج زندگی وی را تأمین کنند. بنابراین، رسیدن به کمال بدون تعاون انسان و تشکیل جامعه ممکن نیست (فارابی، ۱۹۹۱، ص ۷۲). در سند تحول بنیادین، یکی از خصوصیات مهم فضای مدرسه صالح، مشارکت و تعاون است. از آنجا که انسان‌ها در جامعه متولد می‌شوند و در جامعه رشد می‌کنند، تربیت آن‌ها نیز باید اساساً اجتماعی باشد. نقطه افتراق فارابی و سند تحول بنیادین با توجه به مولفه تعاون، این است که فارابی معتقد است آنچه مدینه فاضله را از مداین غیرفاضله جدا می‌سازد، چیزی است که اعضای جامعه، برای رسیدن به آن تعاون دارند، یعنی در حالی که تعاون اهل مدینه فاضله، برای رسیدن به سعادت، به عنوان کمال و خیر نهایی، است (فارابی، ۱۹۹۱، ص ۴۸). اعضای مدینه‌های غیرفاضله برای رسیدن به اهدافی چون لذت و تمتع، با یکدیگر تعاون دارند و از این‌رو نیازی به کسب جمیع فضایل

در این راه ندارند. در حالیکه در سند تحول تاکید شده است که فضای حاکم بر محیط‌های تربیتی، به‌ویژه محیط‌های تربیت رسمی، باید به‌گونه‌ای باشد که شخصیت متریبان را از شکل‌گیری فردگرایی و رقابت‌گرایی مخرب دور نگه دارد. لذا محیط‌های تربیتی باید به جای تأکید بر مقایسه فردی و رقابت با دیگران در یادگیری، به ایجاد فضای رفاقت سالم و تعامل سازنده و مؤثر با دیگران و رقابت هر فرد با خودش (برای تعالی مداوم ظرفیت‌های وجودی خویش) روی آورند (مبانی نظری تحول بنیادی در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰، ص ۱۶۲).

نقطه اشتراک فارابی و سند تحول بنیادین با توجه به مولفه دوستی مدنی، این است که هر دو بر ضرورت زندگی اجتماعی تاکید

دارند. از نظر فارابی وصول به غایت انسانی بدون اجتماع ممکن نیست؛ به عبارتی دیگر، رسیدن به کمال بدون تعاون انسان و تشکیل جامعه میسر نیست؛ چرا که انسان به طور فطری برای رسیدن به برترین کمالش به چیزهای زیادی نیازمند است که به تنهایی قادر به برطرف ساختن آن‌ها نیست. او به گروه‌هایی نیاز دارد که هر کدام بخشی از مایحتاج زندگی وی را تأمین کنند (فارابی، ۱۳۷۹، ص ۲۸). طبق سند تحول بنیادین، انسان، به دلیل نیازمندی یا کمال‌جویی و به لحاظ ساختار شخصیت، موجودی اجتماعی است و هویت او تا حد قابل توجهی (به‌خصوص در آغاز زندگی) در عرصه زندگی اجتماعی ساخته و پرداخته می‌شود. نقطه افتراق آن، این است که فارابی انسان را به صورت تابعی مطلق از وضع محیط اجتماعی درآورد؛ اما سند تحول، شرایط اجتماعی را به مثابه عاملی بسیار مؤثر بر شخصیت و نحوه زندگی افراد در نظر بگیریم و هم می‌توان با تکیه بر اراده فردی در برابر این تأثیر اجتماعی مقاومت کرد و حتی با شناخت جامعه و قوانین حاکم بر تحولات اجتماعی و عمل مناسب، می‌توان تأثیر مناسبی بر نظام اجتماعی گذاشت. در سند تحول بنیادین از منظر اسلامی دیدگاه فرد‌گرایانه و جامعه‌گرایانه، مورد تأیید نیست؛ بلکه دیدگاه معتدل و بینابینی که به فرد و جامعه، هر دو اهمیت می‌دهد مورد توجه است.

جدول ۸-۱- نقاط اشتراک و افتراق مبانی انسان‌شناختی از نظر فارابی و سند تحول بنیادین

سعادت	
نقاط اشتراک	هر دو سعادت را کمال، نهایت و غایت چیزی می‌دانند که انسان با سعی و تلاش خود به سوی آن حرکت می‌کند.
نقاط افتراق	فارابی جدای از زندگی مدنی یا زندگی در میان امت، درباره سعادت فردی بحث نمی‌کند، بلکه به نظر او ملاک تشخیص سعادت حقیقی از سعادت مظنون، آن است که مشخص شود فرد عضو مدینه فاضله است یا جاهله. در حالیکه در سند تحول سعادت، کمال، تعالی فرد و جامعه مدنظر می‌باشد.
اخلاق	
نقاط اشتراک	هر دو معتقدند که عوامل محیطی و طبیعی بر اخلاق تاکید دارند.
نقاط افتراق	فارابی اخلاق را تغییرپذیر دانسته و معتقد است: اخلاق، اعم از جمیل و قبیح، امری اکتسابی است و مادامی که انسان خلق خاصی را به دست نیاورده باشد می‌تواند آن را کسب کند و اگر خلقی را تحصیل کرد نیز می‌تواند به اراده و اختیار خویش آن را تغییر دهد. اما در سند تحول بنیادین، هرازشی از یک پایه بینشی و نگرشی و یک پایه گرایشی ساخته می‌شود. از نظر اسلام همه ارزش‌ها، از جمله ارزش‌های اخلاقی، اعتباری، فرضی و تابع سلیقه و قرارداد نیست.
عدالت	
نقاط اشتراک	هر دو معتقدند که عدالت اساس زندگی اجتماعی است.
	از دیدگاه فارابی عدل این است که به هر یک از ماده و

<p>نقاط افتراق</p>	<p>صورت اهلیت و استعدادش [برای فعلیت و کمال]، داده شود. فارابی در این مفهوم، عدل را با حق در معنای وجودی، پیوند می‌دهد. افراد انسانی در نظر فارابی برابر نیستند، بلکه در سلسله مراتبی از تواناییها و استعدادها قرار می‌گیرند. این امر، با نظم آفرینش مطابق است، که بر شالوده سلسله مراتب و گوناگونی توانایی‌هاست. اما در سند تحول بنیادین آمده که، عدالت به دلیل ارزشی بودنش، دارای جنبه اعتباری است اما این ارزشگذاری، امری ثابت و پایدار است، زیرا همواره ملایمت و تناسب اعمال عادلانه با استواری و سعادت انسان و جامعه، ثابت است. معیار عدالت، رعایت حق و حقوق افراد است.</p>
<p>حکمت</p>	
<p>نقاط اشتراک</p>	<p>هر دو حکمت را برترین دانش‌ها دانسته و خاصیت اصلی حکمت را شناخت حقیقت برمیشمارند.</p>
<p>نقاط افتراق</p>	<p>حکمت در نظر فارابی، علم به چگونگی استفاده و سهم هریک از موجودات از وجود، حقیقت و وحدت و چگونگی شیئت یافتن اشیاء از اوست. حکمت، شامل علم به مراتب موجودات و تقسیمات آنها نیز می‌شود، مراتب موجودات اعم از اول، وسط و اخیر. اخیر موجوداتی هستند که اسباب دارند ولی خود سبب دیگری نیستند. وسط موجوداتی هستند که سببی دارند که بالاتر از آنهاست و خود اسباب اشیاء پایین‌تر هستند، و اول موجودی است که سبب همه موجودات دیگر است، بدون آنکه سببی داشته باشد. علم به روند ارتقاء این موجودات</p>

	<p>از اخیر به وسط و اول و از طرف دیگر علم به چگونگی آغاز تدبیر از اول و نفوذ آن در سایر اشیاء به ترتیب، نیز جزء حکمت است در صورتیکه در سند تحول بنیادین اینگونه نیست.</p>
محبت	
نقاط اشتراک	<p>هر دو معتقدند که ماهیت روابط انسان باید بر محبت باشد</p>
نقاط افتراق	<p>به اعتقاد فارابی، محبت میان اعضای مدینه، اساسا منتج از اشتراک نظر اهل مدینه در آرا و افعال است. آرای مشترک اعضای مدینه فاضله، که میان آن‌ها محبت به وجود می‌آورد، بر سه قسم است: اتفاق آرا در مبدا؛ اتفاق آرا در منتهی و اتفاق آرا در میان این دو. اتفاق آرا در مبدا، اشتراک نظر درباره الله و ابرار و مبدا حیات انسان و هم‌چنین مراتب اجزا عالم و نسبت آن‌ها با ذات الهی و فرشتگان است. در صورتیکه در سند تحول بنیادین به آن اشاره ای نشده است.</p>
تعاون	
نقاط اشتراک	<p>هر دو به ضرورت تعاون و همکاری در اجتماع تاکید دارند.</p>
نقاط افتراق	<p>تعاون اهل مدینه فاضله، برای رسیدن به سعادت، به عنوان کمال و خیر نهایی، است و اعضای مدینه‌های غیر فاضله برای رسیدن به اهدافی چون لذت و تمتع، با یکدیگر تعاون دارند و از این‌رو نیازی به کسب جمیع فضایل در این راه ندارند. در حالیکه در سند تحول تاکید شده است که فضای حاکم بر محیط‌های تربیتی، به‌ویژه محیط‌های تربیت رسمی، باید به‌گونه‌ای باشد که شخصیت متریان را از</p>

	<p>شکل‌گیری فردگرایی و رقابت‌گرایی مخرب دورنگه دارد.</p>
دوستی مدنی	
نقاط اشتراک	<p>هر دو بر ضرورت زندگی اجتماعی تاکید دارند</p>
نقاط افتراق	<p>فارابی انسان را به صورت تابعی مطلق از وضع محیط اجتماعی درآورد؛ اما سند تحول، شرایط اجتماعی را به مثابه عاملی بسیار مؤثر بر شخصیت و نحوه زندگی افراد در نظر بگیریم و هم می‌توان با تکیه بر اراده فردی در برابر این تأثیر اجتماعی مقاومت کرد و حتی با شناخت جامعه و قوانین حاکم بر تحولات اجتماعی و عمل مناسب، می‌توان تأثیر مناسبی بر نظام اجتماعی گذاشت. در سند تحول بنیادین از منظر اسلامی دیدگاه فردگرایانه و جامعه‌گرایانه، مورد تأیید نیست؛ بلکه دیدگاه معتدل و بینابینی که به فرد و جامعه، هر دو اهمیت می‌دهد مورد توجه است.</p>

نتیجه‌گیری

در برنامه تحول بنیادین آموزش و پرورش هدف اول، کمال انسان است. از این منظر تک‌تک آدمها انسان هستند، مخلوق خدایند و عزیزند و باکرامتند و تک‌تک آدمها می‌توانند به اوج برسند. هدف دوم عبارت است از: برپایی جامعه کمال یافته، زندگی سعادت‌مند و حیات طیبه. خواست این است که در این عالم هم یک حیات طیبه و زندگی سعادت‌مند، به دست انسان برپا شود که در او عدالت حاکم باشد، آزادی، عبودیت، عشق و محبت وجود داشته باشد، همه انسان طعم کمال انسانی را در همین دنیا بچشند. ساخته شدن انسان و ساخته شدن جامعه سعادت‌مند دو روی یک سکه‌اند، به هم پیوسته‌اند، علت و معلول هم هستند، برای ساختن جامعه سعادت‌مند باید انسان ساخته شوند، تلاش و مجاهدت کنند و برای ساخته شدن انسان باید عدالت اجتماعی به جامعه حاکم باشد.

آموزش و پرورش یک نهاد پویای اجتماعی است و کارکرد اساسی آن توجه دادن متربیان به درک رابطه با خود، خدا، جامعه و مسائل خلقت بر اساس سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. این بدان معناست که برنامه‌های درسی و تربیتی مدارس نه تنها باید نسلی را تربیت کند که از توانایی‌های شخصی برخوردار بوده؛ بلکه باید نسلی را تربیت کند که جامعه و فرهنگ اسلامی-ایرانی آن را درک کند، مسائل آن را بشناسد و در برابر آن احساس مسئولیت کند و از قدرت تفکر و ایمان و نیز معلومات، مهارت‌های ضروری برای زیستن در جهان حال و آینده که هدف آن رسیدن به زندگی سعادت‌مند و حیات طیبه است، برخوردار باشد.

با توجه به یافته‌های محقق در راستای مولفه‌های نظام تربیتی از دیدگاه فارابی به عنوان متفکر مسلمان، در موارد سعادت، اخلاق، عدالت، حکمت، محبت، تعاون و دوستی مدنی، مطابق با یافته‌های انسان‌شناسی سند تحول بنیادین است. چنانچه فارابی سعادت جامعه را بالاترین خیرها می‌شمرد و معتقد است سعادت جامعه را در سادگی و هماهنگی و عدالت را در گماردن افراد به کاری متناسب با توانایی‌شان، می‌داند. حکمت نیز موجب می‌شود اهالی مدینه به انسجام درونی برسند و با تعاون و همدلی به سعادت حقیقی نائل آیند. در سند تحول بنیادین اعتقاد به روز رستاخیز و حیات اخروی یکی از مؤثرترین نافذترین باورها و از قوی‌ترین عوامل جهت‌دهی به رفتار آدمی است که پدیدآورنده هدف‌داری، مسئولیت‌شناسی، امید و نشاط در انسان و ضامن اجرایی بی‌نظیری برای تحقق اخلاق و ارزش‌های انسانی و دینی در راستای سلامت، سعادت و کمال و تعالی فرد و جامعه است.

فهرست منابع

- آمدی، عبدالواحد (۱۴۰۷ق). غررالحکم و دررالکلم، بیروت: مؤسسه‌الاعلمی للمطبوعات.
- خادمی، عین‌اله، «تحلیل معنای سعادت از دیدگاه فارابی»، ۱۳۸۷، نشریه پژوهش‌های فلسفی - کلامی، زمستان ۱۳۸۷، دوره ۱۰، ش ۲(۳۸)، ص ۸۱-۱۰۷.
- خسروپناه، عبدالحسین؛ میرزایی، رضا (۱۳۸۹). چیستی انسان شناسی، انسان پژوهی دینی، سال هفتم، شماره ۲۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، صفحه ۶۳-۳۵.
- فاخوری، حنا، جر، خلیل، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی (۱۳۹۳). ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- الفارابی، ابو نصر محمد بن محمد (۱۹۵۹)، آراء اهل المدینه الفاضله، بیروت: الکاوثولیکیه.
- الفارابی، ابوالفارابی، ابونصر (۱۴۰۵). فصول منتزعه، حقه و قدم له و علق علیه فوزی متری نجار، ایران، المکتبه الزهراء.
- فارابی، ابونصر (۱۹۶۱). فصول المدنی، تحقیق: م. دنلوب، لندن، انتشارات کمبریج.
- الفارابی، ابونصر (۱۹۹۱). آراء اهل المدینه الفاضله، قدم له و علق علیه البیر نصری نادر، بیروت: دارالمشرق.
- فارابی، ابونصر (۱۹۹۳)، فصول منتزعه، تحقیق فوزی متری نجار، بیروت، دارالمشرق.
- فارابی، ابونصر (۱۳۷۹). سیاست مدینه، ترجمه و تحشیه سیدجعفر سجادی، چ سوم، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- الفارابی، ابونصر (۱۴۱۳). التبیه علی سبیل السعاده، حقه و قدم له و علق علیه جعفر آل یاسین، تهران: حکمت.
- الفارابی، ابونصر، التبیه علی سبیل السعاده، حقه و قدم له و علق علیه جعفر آل یاسین، ۱۴۱۲، تهران: حکمت.
- فارابی، ابونصر (۱۳۵۸). سیاست مدینه فارابی، ترجمه جعفر سجادی تهران، تهران: انجمن فلسفه ایران.
- کولمن، سیمون و واتسون، هلن (۱۳۷۲). درآمدی بر انسان شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، انتشارات سیمرغ.
- نلر، جورج، انسان شناسی تربیتی (۱۳۸۸)، ترجمه محمدرضا آهنچیان و یحیی قانلی، تهران، انتشارات آبیژ.
- وزارت آموزش و پرورش، مبانی نظری تحول بنیادی در تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۰، تهران.